

## سیره‌ای امام علی (ع) در مواجهه با بزه‌دیدگان بی‌گناه

موسی عسکری\*

### چکیده

همان‌گونه که در بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده‌ی بی‌گناه مستحق حمایت است، ضروری به نظر می‌رسد که واکنش امام علی (ع) به‌عنوان تنها امام معصوم که دارای حاکمیت و نظام قضایی رسمی بود، نیز بررسی شود تا در مراحل مختلف قانون‌گذاری و قضایی در جوامع اسلامی، جهت تامین بهتر حقوق بزه‌دیده بی‌گناه الگو قرار گیرد. براساس یافته‌های این مقاله، با توجه به کلمات، سیره‌ی عملی و روش حکومت‌داری امام علی (ع)، نحوه‌ی مواجهه با بزه‌دیده بی‌گناه، تدابیر حمایتی است که جبران‌کننده آسیب‌های روحی، روانی و مادی ناشی از جرم است و بهتر از مکاتب حقوقی امروزه تامین‌کننده نیازها و فوریت‌های بزه‌دیده و قربانی جرم است. از سوی دیگر، به‌خاطر حل معضلات اجتماعی به‌صورت ریشه‌ی و جبران خسارت‌های مادی، عدالت ترمیمی و میانجی‌گری، یکی از گزینه‌های مورد تایید در سیره امیرمومنان امام علی (ع) است.

**واژگان کلیدی:** سیره امام علی، بزه‌دیده‌بی‌گناه، دفاع از مظلوم، کمک قضایی،

جبران خسارت.

---

\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه/

askari.mosa1395@gmail.com

## مقدمه

بزه‌دیده و مباحث بزه‌دیده‌شناسی، یکی از عناوین جدید و نو در میان علوم بشری است، در علوم جنایی به‌خصوص در جرم‌شناسی، برخی مسایل مثل مجرم و علل و عوامل جرم، از زمان‌های دور، مورد توجه بوده‌است، اما مباحث بزه‌دیده‌شناسی در جرم‌شناسی یک رشته جوان و نو است، با این‌که در مورد جرم و علل جرم و مجرم مباحث زیادی را مطرح کرده‌است، بعد از مدت زمان زیاد توجه خود را به بزه‌دیده معطوف داشتن که در مرحله اول نقش بزه‌دیده در وقوع جرم را مورد ارزیابی قرار دادند که به عنوان بزه‌دیده‌شناسی نخستین و یا علمی یاد می‌شد. بعد به‌خاطر این‌که بزه‌دیدگان گاهی مورد سرزنش واقع می‌شدند، عده‌ای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی را مطرح کردند که امروزه تحت عنوان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی از آن بحث می‌شود. از این‌رو، بررسی و توجه به بزه‌دیدگان بی‌گناه همان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی و زیر مجموعه جرم‌شناسی است.

در نظام‌های دینی به‌خصوص شریعت اسلام با این‌که عنوان بزه‌دیده یک امر رایج نبوده و نیست، لذا پرونده مدونی که عناوین و مباحث بزه‌دیده‌شناسی در آن مطرح باشد وجود ندارد، اما از لابه‌لای قضایای مختلف می‌توان مطالبی را که امروزه در بزه‌دیده‌شناسی توسط اندیشمندان علم بزه‌دیده‌شناسی مطرح شده، درباره مجنی‌علیه و یا بزه‌دیده به دست آورد، در این میان روش‌های امام علی<sup>(ع)</sup> در مواجهه با بزه‌دیده، می‌تواند به‌عنوان یک منبع غنی و ارزشمند، مورد توجه واقع شود؛ زیرا امام علی<sup>(ع)</sup> به‌عنوان زمامدار معصوم رفتار وی برای جامعه اسلامی حجیت و اعتبار دارد، از طرفی دیگر، احادیث و روایاتی وجود دارد که امام علی<sup>(ع)</sup> را بعد از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> به‌عنوان فردی آگاه‌تر از همه در احکام شرعی معرفی می‌کند، از رسول خدا<sup>(ص)</sup> نقل شده‌است که فرمود: «إِنَّ عَلِيًّا أَقْضَاكُمْ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۴۰۸) این فرمایش رسول خدا<sup>(ص)</sup>، در جمع اصحاب صادر شده‌است، مقصود این است که قاضی‌ترین شما امام علی<sup>(ع)</sup> است،

یعنی علی (ع) از همه شما در احکام الهی عالم‌تر و آگاه‌تر است. (ابن خلدون، ۱۹۹۸: ج ۱، ۲۴۶) هم‌چنین از خلیفه دوم نقل شده است: «وَقَالَ عُمَرُ أَفْضَانَا عَلِيٌّ» (هاشمی بصری، ۱۹۹۰، ج ۲، ۲۵۸) قاضی‌تر از همه ما علی (ع) است. در جای دیگر خلیفه دوم گفت: «پناه می‌برم به خدا از آن معضلی که در آن علی بن ابی‌طالب (ع) نباشد.» (سیوطی، ۲۰۰۳م: ۲۰۴) این جمله خلیفه دوم چندین بار تکرار شده و اتفاقاً در موارد ایراد شده که خلیفه نسبت به حکم شرعی متحیر می‌ماند و به امام علی (ع) رجوع می‌کرد و امام حکم مسئله را بیان می‌کرد. (الموصلی، ۱۴۲۴: ۲۵۲) وقتی رسول خدا (ص) قضاوت‌های امام علی (ع) را تأیید می‌کند و شهادت بر صحت قضاوت‌های امام علی (ع) می‌دهد، خلفا و دانشمندان اعتراف می‌کنند بر دانش قضایی امام علی (ع)، شک بر صحت و اعتبار روش‌های امام علی (ع) در مواجهه با بزه‌دیدگان باقی نمی‌ماند.

نسبت به موضوع مورد بحث که روش‌های برخورد امام با بزه‌دید بی‌گناه، است می‌توان پایان‌نامه‌ها یا مقالات را نام برد که به نحوی مرتبط است و از بزه‌دیده و روش برخورد با وی صحبت شده است، مثلاً پایان‌نامه‌ی با عنوان بزه‌دیده‌شناسی در نهج‌البلاغه توسط حسن مختاری در دانشگاه قم، نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان پیش‌گیری از جرم از منظر نهج‌البلاغه توسط روح‌الله سبحانی در دانشگاه پیام‌نور و نیز پایان‌نامه‌ی با عنوان حقوق بزه‌دیده در نظام حقوق کیفری اسلام و حقوق ایران توسط عباس‌علی فخر آرا در جامعه المصطفی‌العالمیه یاد کرد. هم‌چنین از مقالات پیش‌گیری از جرم از منظر امام علی (ع) از دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی و نیز آیین دادرسی از منظر امام علی (ع) توسط احمد رمضان‌ی که در دانش‌نامه امام علی (ع) در ج ۵ به چاپ رسیده است یاد نمود. هریک از عناوین مذکور بیان‌گر جنبه و بخش از حقوق بزه‌دیدگان و بزه‌کاران است؛ در عین حال سیره امام در مواجهه با بزه‌دیدگان بی‌گناه نیازمند بررسی بیشتر است که در این مقاله چند روش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱. توصیه به دفاع از مظلومان

دفاع از مظلوم اولین رویکردی حمایتی در مواجهه با بزه‌دیده است؛ زیرا بزه‌دیده مظلوم و نیازمند حمایت است، دفاع از مظلوم در علم بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان یکی از مبانی حمایت از بزه‌دیده مطرح شده‌است. (توجهی، ۱۳۷۸: ۲۹) این‌که در بزه‌دیده‌شناسی تأمین امنیت بزه‌دیده مورد تأکید قرار گرفته‌است. (اصلی، ۱۳۹۰: ۵۶) در واقع نوعی توصیه به دفاع از مظلوم می‌باشد.

امام علی<sup>(ع)</sup> در عصر زمامداری و قبل از زمامداری خودش، همیشه حامی مظلوم بوده است، خصوصاً بزه‌دیدگان بی‌گناه. لذا امام به‌خاطر این مهم، لحظه‌ای با ظالم سازش نکرد و درنگی در محافظت و حمایت از مظلومان نداشت. در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> توصیه به دفاع از مظلوم به‌عنوان یک اصل مهم تلقی می‌شود. در بیانات امام آمده است: «احسن العدل نصرت المظلوم.» (آمدی، بی‌تا: ج ۱، ۱۸۱) نیکوترین رفتار عادلانه یاری رساندن به مظلوم است. در مورد دیگر برای پسران خود چنین وصیت می‌کند: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷) دشمن ستم‌گر و یاور ستم‌دیده باشید. (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۹) همان قسمی‌که با مراجعه به سخنان امام موارد فراوان وجود دارد که امام دیگران را توصیه به دفاع از مظلوم می‌کند، در رفتار و سیره عملی امام علی<sup>(ع)</sup> نیز دفاع از مظلوم به‌وفور مشاهده می‌شود که هرکدام می‌تواند توصیه باشد و درس باشد برای دفاع از مظلوم.

از جمله موارد که در رفتار امام علی<sup>(ع)</sup> توصیه به دفاع از مظلوم دیده می‌شود، روش امام در برابر اصحاب جمل است؛ زیرا آن‌ها بر بصره تعرض کردند و تعداد از افراد بی‌گناه را به قتل رساندند، قسمی که امام، در ضمن خطبه علت مقاتله و مبارزه با اصحاب جمل را چنین بیان فرمود: «به خدا سوگند اگر جز به یک نفر دست نمی‌یافتند

و او را بدون گناه عمداً می‌کشتند، کشتار همه آنان برای من حلال بود؛ زیرا همگان حضور داشتند و انکار نکردند و از مظلوم به دست و زبان دفاع نکردند، چه رسد به این‌که ناکثین به تعداد لشکریان خود از مردم بی‌دفاع بصره قتل‌عام کردند.» (دستی، پیشین: ۳۲۷) در این بیان امام، بزه‌دیدگان را سزاوار حمایت دانسته و کسانی را که در صحنه حاضر بودند و توانایی دفاع از بزه‌دیدگان را داشتند، ولی دفاع نکردند مقصر شناخته شده‌است؛ زیرا آن جمعیت می‌توانستند که مانع این کشتار شوند، پس از این بیان امام که توجیه‌کننده سیره و رفتار امام در مقابله با گروه پیمان‌شکن است، می‌توان توصیه به دفاع از مظلوم را به دست آورد.

به گفته بعضی، هرگروه و لشکر که در حضورشان مسلمانی بی‌گناه به قتل می‌رسد، با این‌که قدرت دفاع از آن را دارند، ولی دفع نمی‌کنند، قتل همه آنان جایز است. (هاشمی‌خویی، ۱۳۵۸: ج ۱۰، ۱۳۶) یعنی صرف دفاع نکردن از مظلوم موضوعیت دارد و مستحق مجازات است.

رفتار دیگری از امیرمؤمنان امام علی<sup>(ع)</sup> در منابع مشاهده می‌شود که خیلی عجیب به نظر می‌رسد و نهایت‌اهتمام امام را در دفع ظلم و دفاع از مظلومان بیان می‌کند، زمانی‌که تهاجم یاران معاویه به انبار و غارت کردن آن را شنید، تنها و پیاده به طرف پادگان نظامی کوفه (نخیله) حرکت کرد. (دستی، پیشین: ص ۶۹۳) انبار شهری دور از مرکز خلافت و در مرزهای شام موقعیت داشت، لذا مورد تعرض معاویه قرار می‌گرفت، از طرف دیگر، سران قبایل و اکثریت مردم از یاری رساندن به امام و اجرای دستورات امام در مبارزه با ظلم خودداری و سرپیچی می‌کردند، در کنار امام افراد خاص و محدود وجود داشت. وقتی امام تعرض بر انبار را شنید به‌رسم همدردی و دفاع از مردم انبار با پای پیاده به سوی پادگان نظامی نخیله حرکت کرد، این حرکت امام بیان‌کننده این است که

هیچ مسلمانی نباید در برابر ظلم بی تفاوت باشد، بلکه هر رفتاری که در دفاع از مظلوم ممکن است، باید انجام دهد، این حرکت امام در واقع توصیه به دفاع از مظلوم است.

## ۲ مساعدت‌های فوری به بزه‌دیده

مساعدت‌های فوری ممکن شامل موارد مختلف شود؛ زیرا شخص بزه‌دیده در واقع انسان ضعیف و نیازمندی‌های متعدد بعد از وقوع بزه دارد، اما کمک‌های فوری و آنی که امروزه در علم بزه‌دیده‌شناسی به آن توجه شده است، تلاش‌های در جهت تقلیل آسیب‌های روحی و جسمی است، مثل مساعدت‌های پزشکی، تسکین رنج و درد روحی و روانی. (توجهی، ۱۳۷۸: ۳۳) از آنجایی که پدیده‌های مجرمانه آسیب‌های مختلف را باعث می‌شود، در مواردی ضرب و جرح و آسیب‌های روحی با هم بر بزه‌دیده وارد شده و جاهای هم تنها آسیب روحی روانی است، لذا در مورد ضرب و جرح اولین حق و ضرورت، مساعدت‌های پزشکی است، در موارد هم تسکین آلام، درد و رنج روحی و روانی مساعدت فوری به حساب می‌آید، در قضایای مالی مثل سرقت و کلاهبرداری اقدام برای به دست آوردن اموال ربوده شده مساعدت فوری است.

از آنجایی که در صدر اسلام رسیدگی‌های فوری مثل امروزه نبوده، بلکه مطابق شرایط و سطح زندگی مردم آن روز محدود بوده است، لذا مساعدت‌های فوری مثل امروزه منظم و منسجم و تکامل یافته نبود، در عین حال مطابق شواهد موجود در منابع، مساعدت‌های فوری در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> از لابه‌لای بعضی قضایا قابل استنباط است که به مواردی اشاره می‌شود.

### ۱.۲ پرداختن هزینه تدفین بزه‌دیده

تجهیز میت نیازمند هزینه است مثل قیمت کفن و از طرف امروزه بهای زمین برای قبرستان بر آن افزوده شده است، در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «امام علی<sup>(ع)</sup> در مورد مردی که کشته شده بود و قاتلش هم معلوم نبود فرمود: اگر این مقتول،

ولی و وارث داشته باشد، دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌گردد و خون مسلمان هدر نمی‌رود؛ زیرا اگر ولی نداشته باشد میراث و دیه او به امام تعلق می‌گیرد، امام باید بر وی نماز بخواند و او را دفن نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۵۴) ظاهر روایت تمام لوازم و هزینه‌های دفن را شامل است که در مرتبه اول مسؤولیت و مکلفیت دولت است، حتی در فقه اسلامی دفن هر میت مسلمان بر آحاد مسلمین واجب و از ضروریات دین بیان شده است. (محسنی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۳۴۸)

در این روایت که منسوب به قضاوت و سیره امیر مؤمنان است، شخصی که به قتل رسیده است، از جمله مساعدت‌های فوری که قابل تصور است، تجهیز وی است مثل نماز، کفن و دفن، تبعاً هزینه‌های تدفین از جمله مساعدت‌های فوری به حساب می‌آید؛ زیرا به‌خاطر حفظ حرمت انسانی میت اولین اقدام تدفین میت است. امروزه هم هزینه‌های کفن و دفن، از مساعدت‌های فوری به حساب می‌آید، قسمی که در ماده ۴ کنوانسیون اروپایی، پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار اشاره شده است: «هزینه‌های پزشکی و بیمارستان و کفن و دفن از جمله موارد پرداخت غرامت است.» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۵۶) به گفته برخی از جمله مساعدت‌های فوری است. (توجهی، پیشین: ۳۴) دولت اسلامی مسؤولیت بیش‌تر نسبت به افراد عادی دارد.

## ۲.۲. رفع نیازمندی‌های بزه‌دیده

در سیره امام علی (ع) رسیدگی و توجه به احتیاجات نیازمندان به‌خصوص بزه‌دیدگان مواردی فراوان وجود دارد، اما در این جا به مواردی اشاره می‌شود که می‌توان آن را از جمله موارد مساعدت فوری به حساب آورد. «از امام باقر (ع) نقل شده است که شخص را خدمت امیرمؤمنان امام علی (ع) آورده شد که استمنا کرده بود، امام بر دستان وی با تازیانه زدن، تا این که رنگ جلد دست‌ها قرمز گشت، فرمود از بیت‌المال مسلمانان زمینه ازدواج او را فراهم نمایند.» (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۴، ۲۲۶) درست است که روایت در مورد بزه‌کار

است، طبق برداشت عرفی بزه‌کار را بزه‌دیده نمی‌گویند و به جرایمی که با اختیار و رضایت بزه‌دیده انجام شود جرایم بدون بزه‌دیده گفته می‌شود، ولی این تعبیر تسامحی است، بلکه در این نوع از جرایم، شخص بزه‌کار بزه‌دیده است. (رهامی و هم‌کاران، ۱۳۸۳: ۷۴) از طرف دیگر از آنجایی که از منظر تعالیم اسلامی اولین بزه‌دیده خود بزه‌کار است قول خداوند تبارک و تعالی: «إِنَّمَا بِغَيْرِكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ»؛ ستم‌های شما به زیان خود شما است. (یونس / ۲۳) لذا رفتارهای غیراخلاقی مثل استمنا از آنجایی که در فقه از گناهان کبیره است. (شیرازی، ۱۴۲۸: ۸۸) و در شرع مقدس اسلام هر حکمی که باشد چه حلال و یا حرام تابع مصلحت و مفسده است. بنابراین، هر حرام مفسده، ضرر و زیان دارد که متوجه فاعل و انجام دهنده می‌شود. (منتظری، ۱۴۱۵: ج ۳، ۹۲)

حتی امروزه روشن شده است که رفتاری حرام مثل استمنا جدایی از ضرر و زیان معنوی و اخروی، آسیب‌ها و زیان‌هایی مختلف جسمی و روانی بر بزه‌کار وارد می‌سازد. (آملی، ۱۳۹۲: ۵۱) به هر روی، قطع نظر از زیان‌های جسمی، روحی و روانی استمنا، مرتکب فعل حرام، معصیت خدا را انجام داده می‌توان گفت: واقعاً زیان و ضرر بزرگ را متوجه خود کرده است؛ زیرا در قرآن کریم (عصر / ۲) تذکر می‌دهد: انسان‌ها همیشه در خسران و زیان است، مگر این‌که ایمان و عمل صالح داشته باشد، حالا در مورد بحث این شخص عمل ناروا را مرتکب شده است، با اطمینان می‌توان گفت: خسران و زیان را متوجه خود کرده است، یا به تعبیری دیگر طبق نگرش اسلامی مجرم اولین زیان‌دیده از بزه است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۹: ۵۲)

پس می‌توان گفت: مطابق علم بزه‌دیده شناسی و نگرش تعالیم اسلامی، فردی که اقدام به خود ارضای نماید بزه‌دیده هست و با توجه به ضرورت و نیازمندی فوری فرد مذکور مساعدت فوری به وی، تأمین هزینه ازدواج بوده است. این رفتار امام علی<sup>(ع)</sup> روشی خاصی بوده است که علاوه بر رفع نیازمندی فردی مذکور، تدبیر مصلحتی برای



اصلاح و تربیت این شخص در نظر گرفته شده است. (لنکرانی، ۱۴۲۲: ۷۳۰) پس تأمین نیازمندی‌ها و احتیاجات بزه‌دیده، یکی از مصادیق مساعدت‌های فوری در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به حساب می‌آید.

### ۳. بازتوانی و تقویت روحی

بعد از وقوع بزه طبیعی است که بزه‌دیده دچار ناراحتی و نگرانی می‌شود و به خاطر وقوع بزه درد و رنج روحی دارد که در ابتدا، فقط اضطراب و نگرانی است، بزه‌دیده خود را به عنوان فرد شکست‌خورده احساس می‌کند، اگر چنانچه این اضطراب رفع نشود در نتیجه به مشکلات روانی منجر می‌شود، در علم بزه‌دیده شناسی امروزه بازتوانی و تقویت روحی یکی از روش‌های حمایتی از بزه‌دیدگان تعریف شده است که توسط گروه‌ها و افراد خاصی که توانایی، بازتوانی را داشته باشد انجام می‌گیرد. لذا بازتوانی و تقویت روحی برای تقلیل و رفع درد و رنج روحی ضروری به نظر می‌رسد، تا مانع پدید آمدن مشکلات روحی و روانی بزه‌دیده گردد و از طرف دیگر بازتوانی و تقویت روحی از تبدیل شدن بزه‌دیده به یک بزه‌کار حرفه‌ای و عقده‌ی و نیز منزوی شدن بزه‌دیده جلوگیری می‌کند که نه تنها برای فرد بزه‌دیده مفید واقع می‌شود بلکه برای جامعه نیز مثبت است. (توجهی، پیشین: ۳۵) امام علی<sup>(ع)</sup> با توجه به درک و درد انسانی و عشق و علاقه‌ی که به انسانیت و ارزش‌های انسانی دارد، ممکن نیست که از بازتوانی و تقویت روحی مظلومان جامعه غافل باشد.

در سیره امام موارد وجود دارد که امام بزه‌دیده را تقویت روحی و دل‌داری می‌دهد، از جمله، وقتی اصحاب جمل با عثمان ابن حنیف انصاری والی و فرمان‌دار امام علی<sup>(ع)</sup> معاهده و پیمان بستند که تا آمدن امام علی<sup>(ع)</sup> متعرض هم نشوند، ولی شب هنگام سپاه جمل بر مرکز فرمان‌داری، یورش بردند، پنجاه نفر از سربازان عثمان بن حنیف انصاری را به قتل رساندند، شخص عثمان بن حنیف را زندانی کردند، اما از ترس برادر عثمان

که در مدینه جانشین امام علی<sup>(ع)</sup> بود، او را آزاد کردند، ولی ریش و ابروهایش را تراشیدند و فرستادند به سوی امام علی<sup>(ع)</sup> وقتی عثمان آمد به امام علی<sup>(ع)</sup> رسید، امام در مسیر راه عراق بود، نزد امام شکایت کرد، نخستین واکنش امام، به خاطر این تعرض که بر عثمان شده بود دل‌داری و تقویت روحی وی بود و به حق عثمان دعا کرد که خداوند برای تو ای عثمان اجر و صبر دهد. (دینوری، ۱۹۰۰: ج ۱، ۹۰)

در این میان نقش روش امام علی<sup>(ع)</sup> در مواجهه با بزه‌دیدگان، در قضیه بصره از لحاظ بزه‌دیده شناسی خیلی روشن است که باعث تقویت روحی و بازتوانی بزه‌دیدگان می‌شود، امام وقتی در حق عثمان بن حنیف دعا می‌کند از لحاظ روحی وی تقویت می‌شود و آن شکست‌های درونی، درد و تحقیر که از سوی جملیان بر وی تحمیل شده بود تسکین می‌شود، باعث می‌شود که عثمان بن حنیف مثل قبل، برای همیشه یکی از فرماندهان و فرد مؤثر در جامعه و در سپاه امام علی<sup>(ع)</sup> نقش داشته باشد و احتمال این‌که عثمان به خاطر این ظلم برای همیشه شکست بخورد، منزوی و گوشه‌نشین شود، یا اقدام به انتقام شخصی و تجاوز بر اصحاب جمل یا خانواده‌های آنان نماید، رفع گردید.

در زمانی خلافت و زمام‌داری امام علی<sup>(ع)</sup> به خاطر جنگ‌های داخلی که بر امام تحمیل گردید، جامعه اسلامی سخت آسیب دید، کشته شدن افراد زیاد باعث درد و رنج غیرقابل جبران، در خانواده‌ها گردید، امام علی<sup>(ع)</sup> وقتی از صفین باز می‌گشت در مسیر راه کوفه، قبایل مختلف زندگی می‌کردند که همه این قبایل حامی امام بود و در جنگ صفین شهدای زیادی را تقدیم کرده بودند، از جمله وقتی امام علی<sup>(ع)</sup> بر قبایل ثوری‌ها،<sup>۱</sup> فائشی<sup>۲</sup> و شبامی<sup>۳</sup> عبور می‌کرد، فضای مصیبت، عزاداری، سوگ و گریه به خاطر شهدا و کشته شدگان صفین، بر این قبایل حاکم بود، صدای شیون و گریه زن‌ها شنیده می‌شد، امام علی<sup>(ع)</sup> با هریک از قبایل اظهار همدردی و غم شریکی می‌کرد و از درجات معنوی و پاداش اخروی و سعادت شهدا صحبت می‌کرد. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ج ۳، ۳۲۴) این روش

امام در برخورد با این بزه‌دیدگان حاکی از تقویت روحی و بازتوانی آنان است، زنان این طوایف که برای شهدای صفین گریه داشتند، همه بزه‌دیدگان بودند که دچار آسیب‌های روحی و روانی جدی شده بودند، شوهران، پدران و پسران جوان را از دست داده بودند، در واقع زندگی و آینده خود را متلاشی شده می‌دانستند، اما امام بر بزرگان این طوایف توصیه می‌کند و شخص امام از اجر و پاداش شهدا صحبت می‌کند تا این‌که روند زندگی مردم، به حالت عادی بازگردد و روحیه مردم باتوجه به اجر و مقام شهید تقویت شود. امام وقتی به کوفه رسید، در شهر صدای گریه و زاری از هرخانه بلند بود؛ زیرا افراد زیادی از کوفیان در صفین به شهادت رسیده بودند و امام بر شهید شدن کشتگان گواهی می‌داد، تا تسلیت خاطر و آرامش برای بازماندگان باشد. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

این روش برخورد امام با خانواده‌های شهدا صفین که در واقع همه بزه‌دیده بودند، مؤثرترین روش در جهت تقویت روحی و بازتوانی است، وقتی امام می‌فرماید: کشتگان تان همه از نیکان و اهل بهشت است، باور به پاداش اخروی، اعتقاد به ارزش‌های دینی، شدت درد روحی و روانی را کاهش می‌دهد، معمولاً انسان‌های باورمند و معتقد کم‌تر گرفتار درد و رنج روحی است.

با این‌که نوعاً بزه‌دیدگی ناشی از رفتار مجرمانه عادی توسط افراد است، اما گاهی بزه‌دیدگی ناشی از ساختار و فرهنگ موجود در یک جامعه است، در صدر اسلام با این‌که سعی اسلام و پیامبر اکرم (ص) بر نهادینه ساختن فرهنگ برابری و برادری بود و تا جایی را هم مورد قبول جامعه واقع گردیده بود، ولی در زمان خلیفه دوم، فرهنگ برتری‌طلبی ترویج و مشروعیت اجتماعی پیدا کرد، از جمله برتری عرب بر غیرعرب، از امام صادق (ع) نقل شده است: «مسلمانان غیرعرب خدمت امام علی (ع) آمدند، از روش خلفا و عرب‌ها شکایت کردند، این‌که رسول خدا در تقسیم بیت‌المال سهمی مساوی با عرب‌ها برای ما قایل بود، ولی خلفا این سهم را از ما دریغ می‌کند، رسول خدا (ص) برای

بلال، سلمان و صهیب (مسلمانان غیرعرب) زن گرفت، ولی عرب‌ها و خلفا به ما زن نمی‌دهند، امیرمومنان امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: می‌روم در مورد حقوق تان صحبت می‌کنم، با خلیفه و بزرگان عرب صحبت کرد، عرب‌ها با صدای بلند فریاد کشیدند، یا ابوالحسن این کار شدنی نیست، امام با ناراحتی بیرون آمد قسمی که ردایش بر زمین کشیده می‌شد، فرمود: ای گروه غیرعرب، عرب‌ها شما را به منزله یهود و نصارا قرار داده‌اند، از شما زن می‌گیرند، ولی برای شما زن نمی‌دهند. حق کامل تان را از اموال عمومی نمی‌پردازند، پس در این وقت تجارت کنید که برکت در آن است، از رسول خدا شنیدم که فرمود: رزق و روزی، ده جز دارد، نه جز آن از طریق تجارت به دست می‌آید و یک جز آن از طرق دیگر». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۳۱۹)

مسلمان در این مقطع از تاریخ مسلمانان غیرعرب، قربانی ساختار برتری طلبی ناشی از تعصب نژادی عربی، واقع گردیدند، امام علی<sup>(ع)</sup> برای رفع این نابرابری و حق تلفی سعی و تلاش را انجام داد، اما وقتی تعصب عده‌ای از اشراف و نزدیکان قدرت را مشاهده کرد، ناامید گردید، لذا با مسلمانان غیرعرب که بزه‌دیده ساختار و فرهنگ ناپسند برتری طلبی بودند، اظهار همدردی کرد، تا باعث بازتوانی و تقویت روحی آنان گردد. با توصیه‌های خود برای آنان روزنه امید برای ادامه زندگی سالم را بگشاید.

#### ۴. تفهیم و تبیین حقوق بزه‌دیدگان

خیلی از بزه‌دیدگان ممکن در استیفای حقوق از دست‌رفته خود با توجه به فرایند خاص که نیاز است آگاهی نداشته باشد، ممکن مواردی وجود داشته باشد که بزه‌دیده به‌خاطر عدم آگاهی، خود را قربانی و آسیب‌دیده از رفتار مجرمانه نپندارد، رفتار مجرمانه را یک پدیده عادی و جایز بداند، لذا این نوع از بزه‌دیدگان نیازمند حمایت‌های از قبیل تفهیم و آگاهی‌دهی حقوق‌شان هستند، این حقوق ممکن حقوقی باشد که با رفتار مجرمانه از دست رفته و باید توسط بزه‌کار جبران شود یا از جمله حقوق باشد که

در طول رسیدگی به پرونده جنایی توسط نهادهای مختلف دادرسی باید رعایت گردد.  
(رایجیان اصلی، پیشین: ۶۳)

#### ۱.۴. تبیین حقوق بزه‌دیده در برابر ظلم ناشی از ساختار

پدیده ظلم و رفتار مجرمانه همان قسمی که توسط افراد عادی جامعه بر یکدیگر تحمیل می‌شود، توسط افراد وابسته به حکومت یا توسط ساختار و سیستم حکومتی در یک جامعه به‌عنوان قانون بر افراد جامعه تحمیل می‌گردد، اتفاقاً ظلم‌هایی که از مجاری قدرت و حاکمیت بر ملت‌ها وارد می‌شود خطرناک‌تر و بیش‌تر است. در اکثر موارد این ظلم‌ها به‌خاطر توجیه شدن یا با نقاب قانون بر مردم تحمیل می‌شود که افراد متوجه ظلم بودن آن نیستند، لذا نیاز به تبیین دارد در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> بر این مهم توجه شده‌است.

از امام علی<sup>(ع)</sup> روایت شده که فرمود: «آگاه باشید هر مردی از مهاجر و انصار که از صحابی رسول خداست، به‌خاطر مصاحبت رسول اکرم<sup>(ص)</sup> دارای برتری است و این فضیلت بسیار بزرگ، اجر و پاداشش در نزد خداست، هر مردی که دعوت اسلام را اجابت کرده، در دین اسلام داخل شده و قبله مسلمانان را قبول کرده، از حقوق اسلام و حدود اسلام بهره‌مند است، شما بندگان خدا هستید و بیت‌المال هم مال خدا، لذا بیت المال را میان شما به‌صورت برابر تقسیم می‌کنم کسی نسبت به دیگری، در این مال برتری ندارد، برای متقین اجر و پاداش ارزشمند در نزد خداست و خداوند دنیا را برای کسی اجر قرار نداده، فردا انشاءالله همه تان حاضر شوید مقدار مالی موجود است، تقسیم می‌کنم در این تقسیم تفاوت بین عربی و عجمی نیست.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۷، ۳۶)

این بیان را که منسوب به امام است ابن ابی‌الحدید به سند خودش نقل می‌کند که بعد از بیعت عمومی مردم با امام، در روز دوم خلافت در مسجدالنبی<sup>(ص)</sup> بیان گردید و امام به عبیدالله بن ابی‌رافع کاتبش دستور داد، بیت‌المال بین همه به‌صورت یکسان تقسیم

شود، عده‌ای از گرفتن سهم خود که برابر با موالی بود، امتناع کردند؛ مثل طلحه، زبیر، ولید، مروان و چند نفر دیگر.

این خطبه همانند ریختن آب، روی شعله‌های آتش، در سینه‌های انبوهی از جمعیت در سراسر کشور اسلامی بود، جامعه‌ی که از زمان خلیفه دوم، تقسیم بیت‌المال براساس برتری‌های مثل شرکت در غزوات صدر اسلام، مهاجر بودن، انصار بودن، عرب بودن پایه‌گذاری گردیده بود. (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ج ۴، ۱۹۴) اضافه بر آن، از حیف و میل‌های عثمان و اطرافیانش درد دیده و بزه‌دیده بودند، اگرچه اکثریت مردم می‌دانستند که این روش تبعیض درست نیست، ولی تعداد زیادی هم از این مساله آگاهی نداشتند و روش خلیفه را حق می‌دانستند و افرادی بودند که با روش خلیفه دوم موافق بودند به‌خاطر این‌که از حقیقت اسلام آگاهی نداشتند.

سوق دادن ملت به سوی بی‌خبری از حقوق شان، در قبال بیت‌المال از این‌جا ناشی می‌گردد که در این روش، خلیفه دوم، بدون این‌که به سنت رسول خدا (ص) توجه نماید، خیلی آسان و به‌صورت عادی توجیه می‌شود، خلیفه در توجیه این روش خود گفت: رأی ابی‌بکر تسویه در تقسیم بیت‌المال بود و رأی من تفکیک و تفاوت در بهره‌مندی از بیت‌المال است که این گفته خلیفه در همان زمان، باعث اقناع و تحمل این نابرابری شد، در عصر فعلی مدافع و توجیه‌گر دارد. (ابی‌یوسف، ۲۰۰۹م: ۵۲)

از این کلام به دست می‌آید که رفتار خلیفه کاملاً سلیقه‌ای بوده و هیچ مبنای دینی نداشته است، این رویه به مرور زمان مورد قبول جامعه قرار گرفت، امام علی (ع) برای آگاه کردن جامعه در قبال سهم شان از بیت‌المال و این‌که اکثریت در این مدت مظلوم واقع شده، با جدیت برای تطبیق عدالت اقدام کرد که اولین قدم آگاه کردن مردم بود که بندگان خدا هستید و از لحاظ حقوق انسانی مساوی هستید، برتری‌های معنوی در جای خودش جبران خواهد شد، رفتار و روش خلفایی قبلی در حق اکثریت ظلم بوده است،

در واقع حق تان از دست رفته و آگاه باشید و حق تان را بشناسید، با این که خطاب امام به همان امتیاز طلبان است ولی این آگاهی دهی بود برای اکثریت محروم جامعه آن روز.

#### ۲. ۴. تفهیم حق قبل از وقوع بزه

گرچه متبادر از واژه بزه دیده این است که اول بزه واقع شود تا حقوقی ناشی از بزه دیدگی پدید آید، ولی از آن جا که امروزه کسانی که مورد تعرض واقع می شود به نوعی مورد حمایت واقع شده و در نوشته و آثار نویسندگان هم بزه دیده گفته شده است، از این جهت مورد به عنوان تفهیم و تبیین حق بزه دیده قبل از وقوع بزه بررسی می شود.

از امام صادق (ع) نقل شده است: «امام علی (ع) فرمود: خداوند مردی را مغضوب

می دارد که دزد و متجاوز وارد خانه اش شود؛ ولی دفاع نکند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۵) در این روایت تا حال بزه دیده نیست، ولی امام برای جلوگیری از وقوع بزه، این حق برای کسی که مورد تهاجم قرار گیرد داده است، یا به تعبیر دیگر پیش گیری از وقوع بزه به عنوان سیاست جنایی در مکتب اسلام مورد تأیید قرار گرفته و در لسان ادله و منابع دینی بارها تأکید شده بر لزوم حفظ جان، مال و عرض، همه این ها بیان گر حق و تفهیم حق برای افرادی هست که در معرض و تهاجم بزه قرار دارند، لذا برای جلوگیری از تحقق بزه باید رفتار مناسب را داشته باشد حتی برای دفع بزه کار می تواند از اسلحه و امثال آن استفاده نماید.

#### ۵. ارایه کمک های قضایی

بزه دیدگان نیازمند کمک های در فرایند جنایی اند تا از این طریق بتوانند آسیب ها و زیان های وارده بر خود را جبران نمایند، که نوعاً تحقیقات مقدماتی را شامل است مثل کشف جرم، تعقیب جرم، حضور برای بازجویی، صدور حکم نهایی را در بر می گیرد. (اختری، ۱۳۹۸: ۴۳) ارایه کمک های قضایی که بیش تر توجه به امور شکلی و قوانین آیین دادرسی دارد، در علم بزه دیده شناسی حق بزه دیده بیان شده است مثل حق وکیل داشتن،

طرح دعوای ضرر و زیان، حق درخواست پژوهش و تحقیق برای کشف ضرر و زیان. (رایجیان اصلی، پیشین: ۹۷) البته اموری مذکور در فرایند جنایی زمانی قابل تطبیق است، که سیستم قضایی سالم وجود داشته باشد، در سیره قضایی امام علی<sup>(ع)</sup> تمام اصول و معیارهای که تأمین‌کننده عدالت باشد بدون شک موجود بوده است، در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به اموری اشاره می‌شود که هرکدام کمک قضایی به حساب می‌آید.

### ۱.۵. کشف جرم

کشف جرایم یا روشن شدن واقعیت در پرونده‌های مختلف تأمین‌کننده عدالت است، در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> نیز قضاوت‌های وجود دارد که با شیوه‌های مختلف سعی شده که حقیقت امر کشف شود، که از این طریق تطبیق عدالت بیش‌تر تضمین می‌شود، و بزه‌دیدگان پدیده مجرمانه به حقوق خود برسند.

#### ۱.۱.۵. استفاده از روش علمی برای کشف جرم

امروزه با توجه به ترقی علم و دانش بشری، روش‌های علمی برای کشف جرایم، تعیین بزه‌کار، تاریخ وقوع بزه و سایر جزئیات در یک پرونده مورد استفاده است، که می‌تواند کمک‌های مؤثری را در روشن کردن پرونده‌های پیچیده ایفا نماید، اما در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> با توجه به شرایط و سطح زندگی جامعه قطعاً امکانات عصر فعلی وجود نداشته است، ولی با موارد مواجه می‌شویم که رفتار امام روش علمی است، از جمله روایت شده که خانمی قصد مراوده و رفتار نامشروع با جوانی را داشت، ولی جوان امتناع ورزید و زن خدعه و نیرنگی سنجید، سفیدی تخم مرغ را بر جامه خود ریختاند، جوان را گرفته آورد نزد امام علی<sup>(ع)</sup> و گفت: این جوان بر من تجاوز کرده و لباس خود را به امام نشان داد که این منی این جوان است، اما جوان منکر قضیه بود، وقتی امام این دعوی را شنید آبی با حرارت بلند را بر جامه زن که ملوث به مایع تخم مرغ بود سرازیر کرد، فرمود: اگر منی باشد که در برابر حرارت این آب تغییر نخواهد کرد که در این



صورت ادعای خانم تائید می‌شود؛ اما اگر تخم مرغ باشد زود تغییر می‌کند، مشخص شد که مایع تخم مرغ بوده و نیرنگ از جانب زن بوده است، لذا امام جوان را آزاد، و زن را تعزیر کرد. (مفید، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۱۸)

در این نوع قضایا برای روشن شدن واقع نیاز به اقداماتی است که مقام قضایی ملزم است مثل معاینه محلی و یا تحقیق محلی، فرق نمی‌کند که شخص مقام قضایی این کار انجام دهد، یا دستور این اقدامات را صادر نماید. (الهی‌منش و رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۳۴) این جوان در واقع بزه‌دیده است چون نسبت ناروا به او داده شده و قذف در فقه حرام است و از لحاظ قانون هم براساس ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ جرم‌انگاری شده‌است، اطلاق این ماده ادعای زنا کردن شخص دیگر با مدعی را هم شامل است. با این‌که یکی از راه‌های اثبات جرم استفاده از روش‌های علمی است، در جرایم غیراخلاقی مثل زنا و امثال آن تنها راه اثبات جرم بینه است و طرق علمی و یا علم قاضی تنها برای تأدیب است و جرم را ثابت نمی‌تواند. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۲۷) لذا این اقدام امام به این مفهوم نیست که اگر منی بود حتماً زنا بی صورت گرفته‌است؛ زیرا شهادت چهار نفر عادل برای اثبات زنا نیاز است، بلکه به‌خاطر رد کردن تهمت این خانم بوده است و اثبات جرم قذف بوده، خلاصه این‌که امام با این رفتار خود رفتار مجرمانه زن را به اثبات رسانده و امام علی<sup>(ع)</sup> برای جوان بی‌گناه که بزه‌دیده واقع شده است، کمک قضایی فراهم کرد، این جوان از آن حیث بزه‌دیده بود که توسط نسبت ناروا آبرو و حیثیتش لکه‌دار گردیده بود.

#### ۲.۱.۵. سنجش راست‌گویی شهود

یکی از طرق اثبات جرم و یا روشن شدن واقع، اظهارنظر شهود است، که قاضی با تشخیص خودش یا تقاضای یکی از طرفین شهود را برای ارائه روشنی در قضیه‌ای مورد دعوا احضار می‌کند؛ اما از آن‌جایی که ممکن است در بعضی موارد تبانی و یا تفاهم در

کار باشد، که شهود با قبول رشوه مثلاً حاضر به اظهارات دروغ و بی‌بنیاد گردیده باشند، راه‌کارهای برای تشخیص راست بودن اظهارات شهود سنجیده شده‌است، اولاً در فقه و هم در قوانین برای شهود شرایط ویژه بیان شده، برای این‌که شهادت به دروغ نشود و واقعیت مخفی نماند این شرایط در نظر گرفته شده‌است. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: ماده ۱۷۷) برای کسی‌که شرایط مذکور را دارا باشد شهادت به کذب جرم‌انگاری شده و از گناهان کبیره حساب شده است. (خویی، ۱۴۱۰: ۲۹) تحریم و جرم‌انگاری شهادت زور، راه‌کاری برای پیش‌گیری از ارائه شهادت دروغ است. از جمله راه‌کاری دیگر برای اطمینان از صحت اظهارات شهود و کشف واقعیت، تفریق شهود است، برای این‌که اظهارات و بیان شهود نسبت به قضیه از هر لحاظ کامل و روشن باشد، در قانون تفریق شهود را تجویز کرده است در ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ آمده‌است: «بازپرس از هریک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند.» هم‌چنین در قانون اجرائات جزایی افغانستان مصوب ۱۳۹۲ نیز استماع جداگانه شهادت مورد قبول واقع شده‌است، در ماده سی و چهارم این قانون آمده‌است: «هرگاه در قضیه بیش‌تر از یک شاهد موجود باشد، اظهارات و شهادت هریک به‌صورت جداگانه و انفرادی بدون حضور شاهد دیگر استماع و ثبت می‌گردد».

در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> هم به موارد برمی‌خوریم که امام با تفریق و جدا کردن شهود از همدیگر، حقیقت را کشف کرده است. از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده‌است که در عصر زمامداری خلیفه دوم، دختری را آوردند نزد خلیفه، و ادعا شد بر این‌که زنا کرده‌است و تعدادی از زنها به‌عنوان شهود این ادعا را تصدیق کردند، قضیه از این قرار بود که دختر یتیمی در خانه رفیق پدرش، پرورش یافته بود، زمانی این مرد صاحب‌خانه به مسافرت طولانی مدت می‌رود، در این مدت دختر یتیم بزرگ و صاحب جمال می‌شود، خانمش می‌ترسد که شوهرش با این دختر ازدواج نکند، لذا با هم‌کاری زنان همسایه بکارت

دختری یتیم را با دست، زایل می‌کند، وقتی شوهر این خانم از مسافرت باز می‌گردد، زن نسبت زنا به این دختر می‌دهد و زنان همسایه هم شهادت می‌دهد، خلیفه دوم متحیر می‌ماند و نمی‌داند که چگونه قضاوت نماید، به کسی می‌گوید: علی (ع) را خبر کنید، امام علی (ع) می‌آید وقتی قضیه را می‌شنود، زنی این مرد که مدعی اصلی بود و زنان همسایه را که شاهد بودند، در خانه‌های جداگانه رهنمایی می‌کند و بعد به صورت جداگانه مورد پرسش قرار می‌دهد، اول از خانم که فاعل این رفتار و مدعی زنا بود، می‌خواهد واقعیت را بگوید، ولی او از حرف خود باز نمی‌گردد، وی به اتاقش بازگردانده می‌شود، بعد یکی از شهود را می‌آورد، می‌گوید: من علی هستم این شمشیرم حقیقت را اظهار کن که تو را امان بدهم، این زن که شاهد بود، گفت: این دختر زنا نکرده‌است، بلکه آن خانم در او جمال دیده و خوف از ازدواج کردن شوهرش با این دختر را داشت، لذا با دست خود بکارتش را از بین برد، همین قسم تمام زن‌هایی که شاهد بودند این اظهار را تکرار کردند، بعد امام برای خانمی این مرد، حد قذف و همه زنان شاهد را ملزم به پرداخت دیه‌ی بکارت کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۴۲۶)

در این جا دیده می‌شود که روش منطقی امام علی (ع) چقدر مؤثر واقع شد، حقیقت را چگونه برملا ساخت، اگر این روش نبودی شاید آن دختر بی‌گناه هم حد بر وی جاری می‌گردید و هم حیثیتش برباد رفته بود، و از جرم مجرمان اصلی اصلاً کسی با خبر نمی‌شد و امام با تفریق شهود بهترین کمک را برای اثبات حق از دست‌رفته این دختر و نیز کشف مجرمان اصلی ارایه کرد؛ زیرا مراد به دست آوردن حق و رساندن حق به صاحبش است، برای قاضی واجب و ضروری است که برای کشف حقیقت و رفع هر نوع ابهام از هر نوع روش که برای ابهام‌زدای و روشن شدن واقعیت مؤثر و مشروع باشد استفاده نماید، مثل تهدید و تفریق شهود. (اردبیلی، ۱۴۲۳: ج ۱، ۳۹۲) در این روایت تنها تهدید است و این مقدار از تهدید را نمی‌شود از مصادیق اقرار تحت شکنجه حساب

کرد، لذا می‌توان گفت: یکی از کمک‌های قضایی امام علی<sup>(ع)</sup> برای بزه‌دیدگان بی‌گناه تفریق شهود است.

### ۳.۱.۵. استفاده از روش‌های روانی و عاطفی برای کشف حقیقت

گاهی به‌خاطر پیچیدگی پرونده صدور حکم و حل دعوا برای هرقاضی ممکن نیست، مگر افراد خاصی که با توجه به تسلط و آگاهی بر اصول قضاوت و احاطه بر شرایط و حالت روحی و روانی انسان‌ها با استفاده از روش‌های ویژه واقعیت را کشف می‌کند، بعضی از قضاوت‌های منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> از این قبیل است، به‌طور نمونه نقل شده‌است که دو زن در زمان خلافت خلیفه دوم بر سر پسری نزاع داشتند، هر دو بدون این‌که بینه داشته باشند، مدعی بودند: این پسر، فرزند من است، قضیه بر خلیفه مشتبه بود. به حضرت علی<sup>(ع)</sup> مراجعه کرد، امام علی<sup>(ع)</sup> در ابتدایی امر هر دو را نصیحت و موعظه کرد تا آن‌که ناحق دعوا دارد از این ادعا دست بکشد، ولی هیچ‌کدام منصرف نشدند، لذا امام فرمود: ارّه بیاورید عمر گفت: ارّه برای چه؟ امام گفت: می‌خواهم کودک را به دونصف تقسیم نمایم و به هرکدام نصف این پسر را بدهم، در این وقت یکی از آن دوخانم، در برابر این حکم خاموش ماند، ولی دیگری با اضطراب و نگرانی برخاست گفت: تو را به خدا یا ابوالحسن، نصف که حق من است را، به این خانم بخشیدم، پسر مال او باشد. پس حضرت با صدای بلند تکبیر گفت و فرمود: این طفل فرزند تو است و آن زن دیگر اگر مادر بود دل‌سوزی می‌کرد، زن دیگر هم اعتراف کرد. (امین، ۱۳۸۴: ۵۸)

با توجه به نوعی دعوا، مشخص بود که یکی از این دو ادعا غیرواقعی است، از طرف دیگر آن محبت مادری نسبت به اولاد زود بروز پیدا می‌کند، مادر به هیچ صورت حاضر به از بین رفتن و ارّه شدن طفل نیست، لذا با چنین قضاوت حکم قضیه روشن گردید. اولاً این نوع دعاوی بی‌اساس، غیرمشروع و غیرقانونی است، طبق ماده ۶۳۱

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش، این رفتار جرم است: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدوزد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.» روایت مصداق فرض چهارم این ماده است که طفل را متعلق به زن دیگری غیر مادر طفل قلمداد کرده است لذا این رفتار مجرمانه هست. از طرفی این رفتار اذیت و خشونت علیه مادر حساب می‌شود، براساس ماده سی و هشتم قانون منع خشونت علیه زنان افغانستان مصوب ۱۳۸۸: «شخصی از قرابت زن به مقصد محروم ساختن از حق میراث یا سایر حقوق شرعی و قانونی وی انکار، ولی قرابت وی به حکم محکمه ثابت گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیش تر نباشد، محکوم می‌گردد.» در قضیه مورد بحث، این زن که مدعی است در واقع می‌خواهد با نفی نسبت طفل با مادرش، مادر را از حق قانونی که نگهداری و حضانت طفلش باشد محروم سازد، این خشونت و جرم است.

از لحاظ شرعی گرفتن طفل با دعوای این که طفل من است باعث محروم ساختن مادر از حق طبیعی و خدادادی وی است، حق حضانت، ولایت و سلطنت والدین بر اطفال قابل خدشه نیست، از طرف هم برای رسیدگی به امور اطفال و تربیت کردن امر طبیعی و خدادادی است که والدین به این مسئله علاقه‌مند هستند و هیچ‌کسی دیگر مثل والدین این‌گونه دل‌سوزی و از خود گذری ندارد. (انصاری، ۱۴۲۹: ج ۱، ۳۰۵)

از طرف دیگر، این دعوا می‌تواند موجب بزه‌دیدگی طفل شود؛ زیرا حق طفل است که در فضای مملو از محبت و مهرورزی پرورش یابد، زیر نظر و تحت سرپرستی مادر باشد، در اصل ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر تذکر داده شده است، که طفل باید در فضای پر محبت پرورش یابد و طفل در تکامل شخصیت خود نیاز به محبت دارد، کودک خردسال جز در موارد استثنایی نباید از مادر جدا شود؛ زیرا عواطف نقش

محوری در رشد و تکامل شخصیت اطفال دارد، بنابراین، کودک حق دارد از تربیت بهره‌مند شود، که زمینه شکوفایی استعدادهای او را فراهم می‌کند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۵) واضح است که غیر از مادر هیچ‌کسی نمی‌تواند محبت، مهرورزی و عاطفه لازم در تربیت و تکامل شخصیت طفل را ایفا کند، طفل که از مهر و عاطفه مادری محروم باشد در واقع رشد نیافته و شخصیت او تکامل نیافته و این چنین طفل از حق مسلم خود محروم شده‌است و بزه‌دیده است.

بنابراین، امام علی<sup>(ع)</sup> با استفاده از روش روحی و عاطفی حق بزه‌دیده را معین کرد، با این‌که مادر طفل به‌خاطر آن ادعای غیرقانونی بزه‌دیده بود، زیرا نفس این ادعا باعث نگرانی و اضطراب و اذیت او شد، امام علی<sup>(ع)</sup> با روش ابتکاری خود کمک قضای برای او فراهم کرد، مهم‌تر این‌که از وقوع بزه‌دیدگی دیگر که محروم ساختن مادر از طفلش و نیز محروم ساختن طفل از عاطفه مادری و تحریف هویت طفل جلوگیری گردید.

#### ۵.۲. ارایه دلیل به نفع بزه‌دیده

قاضی در حین صدور حکم، باید حکم و نظر خود را مستند به قانون نماید، هرچه قاضی تسلط و احاطه بر قانون و فقه داشته باشد بیش‌تر عدالت تأمین می‌شود، گاهی ممکن واقعاً حق یک فردی در شریعت یا در قانون موجود باشد، ولی به‌خاطر بی‌توجهی و عدم احاطه قاضی حق به‌حق‌دار نرسد، در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> در مورد یک پرونده، می‌بینیم که امام با تمسک به آیات قرآن حق بزه‌دیده را بیان می‌کند و آیات از قرآن را به‌عنوان دلیل برای اثبات حق بزه‌دیده تلاوت می‌کند.

«امام علی<sup>(ع)</sup> در موردی مردی که زن بارداری را، مورد ضرب قرار داده و باعث سقط جنین وی شده بود، قضاوت کرد که این مرد باید چهل دینار به‌عنوان دیه بدهد، برای این حکم، آیات از قرآن تلاوت کرد: «یقیناً ما انسان را از عصاره از گل آفریدیم. سپس آن‌جا نطفه‌ای در قرارگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه آن نطفه را علقه گردانیدیم، پس آن

علقه را به صورت پاره گوشتی در آوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان‌های ساختیم، و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم.»<sup>۱</sup> (مومنون / ۱۲-۱۴) بعد فرمود: در نطفه بیست دینار هست، در علقه چهل دینار و در مضغه شصت دینار، در استخوان قبل از این که خلقتش تکمیل شود هشتاد دینار، در جنین که صورت را تکمیل نموده، اما روح در آن نباشد صد دینار، بعد از دمیدن روح هزار دینار است.» (مفید، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۲۲)

روایتی دیگر نیز به همین مضمون از امیرمؤمنان رسیده است روایت را شخص به نام ظریف نقل می‌کند. در این روایت امام مراحل تکامل جنین را به پنج مرحله تقسیم نموده، که برای جنین کامل قبل از دمیدن روح صد دینار است، تا جنین شدن پنج مرحله باید سپری شود، صد دینار که به عنوان دیه جنین هست، بر این پنج مرحله تقسیم می‌شود، برای نطفه بیست دینار، برای علقه چهل دینار، برای مضغه شصت دینار، برای عظم هشتاد دینار و برای جنین صد دینار. (کلینی، پیشین: ج ۷، ۳۴۲)

این تقسیم‌بندی هم با توجه به مراحل که در قرآن ذکر شده است، صورت گرفته است. امروزه این روایت مبنای قول فقیهان قرار گرفته و در فقه نیز همین حکم، مشهور و حتی ادعای اجماع شده است. (تبریزی، ۱۴۲۸: ۳۰۸) مادر که جنینش سقط شده با تمسک به این آیات که توسط امام تلاوت شد و مستند قضاوت امام بود، می‌تواند از حق خود دفاع نماید، این کمک قضایی برای بزهدیده است.

## ۶ جبران

### ۱.۶ جبران رسمی

#### ۱.۱.۶. پرداخت غرامت (جبران خسارت بزهدیده از بیت‌المال)

از آنجایی که اغلب جرایم خسارت و زیان‌های مالی را بر بزهدیده تحمیل می‌کند، جبران این خسارات ضروری است، یکی از حمایت‌هایی اولی و ضروری حمایت اقتصادی است. آن‌طوری که مشخص است این زیان‌ها باید توسط بزهدکار جبران شود،

ولی موارد وجود دارد که جبران کردن آسیب‌ها و زیان‌ها توسط شخص بزه‌کار ممکن نیست اگر اصلاً جبران نشود غیرقابل قبول است، حقوق‌دانان برای تأمین عدالت و جبران خسارات بزه‌دیده حمایت‌های اقتصادی و پرداخت خسارات توسط دولت را طرح کرده‌اند، که البته امروزه در سطح جهانی با توجه به لایحه‌ها و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به رسمیت شناخته شده‌است، که مبانی مختلف برای این طرح ذکر شده‌است، مبانی را به دودسته تقسیم کرده‌اند: الف. مبانی مسئولیت مدنی دولت. ب. مبانی مسئولیت اجتماعی دولت. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۸) هریکی از دومینا نیاز به بحث دارد که از آن می‌گذریم.

در این میان دین مقدس اسلام در صدر اسلام این ضرورت‌ها را تشخیص نموده و برای بیرون آمدن از معضل جبران خسارت بزه‌دیده در صورت عدم امکان جبران توسط بزه‌کار، جبران خسارات از بیت‌المال را تشریح کرده‌است، در سیره‌ای امام علی<sup>(ع)</sup> به عنوان این‌که زمامدار اسلامی و امام معصوم هست موارد وجود دارد، که ذیلاً اشاره خواهد شد.

#### ۱.۱.۱.۶. پرداخت غرامت از بیت‌المال در معلوم نبودن قاتل

یکی از مواردی که در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به آن توجه شده پرداخت دیه کشته شدگانی است، که قاتل شان معلوم و مشخص نیست، به‌خاطر این‌که خون مسلمانی هدر نرود و این خساره جبران شود از بیت‌المال دیه پرداخت شده‌است.

امام علی<sup>(ع)</sup> در مورد مقتول که قاتل آن معلوم نبود، فرمود: «اگر مقتول شناخته شده و ورثه داشته باشد، دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود؛ زیرا خون مسلمان هدر نمی‌رود، و از این حیث که در صورت نداشتن ولی، امام وارث این اشخاص هست، دیه‌اش در صورت معلوم نبودن قاتل برعهده امام است، نماز و دفن کردنش هم به عهده امام است.» (کلینی، پیشین: ج ۷، ۳۵۴) در این‌جا این شخص مقتول بزه‌دیده مستقیم است و



اولیایی او بزه‌دیدگان غیرمستقیم، لذا دیه‌اش باید جبران شود؛ زیرا جبران دیه یا قصاص توسط بزه‌کار ممکن نیست، چون بزه‌کار و قاتل فعلاً وجود ندارد، طبق تعلیل امام در روایت، خون مسلمان نباید هدر برود، لذا بیت‌المال که در واقع همان دولت است این خسارت را جبران نماید، دلیل این که خون مسلمان هدر نمی‌رود و دولت مکلف به پرداخت است، این است که در صورتی نداشتن ولی و وارث، اموال باقی‌مانده و یا دیه مقتول در خزانه دولت واریز می‌شود، این رابطه دوسویه بین دولت و افراد جامعه است که مبنای آن قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» است. (صدر، ۱۴۲۰: ج ۹، ۳۸۶)

در روایت با این که واژه امام آمده است، ولی مسلم است که مقصود منصب و جایگاه امام است که امروزه دولت‌ها در این موقعیت قرار دارد، لذا مکلفیت‌های امام را بر عهده دارد و در مواردی که پرداخت خسارت توسط بزه‌کار ممکن نباشد دولت مسئولیت جبران را دارد.

وقتی امام علی (ع) طلحه و زبیر را شکست داد، باقی مانده از سپاه جمل فرار کردند، در حین عبور با زن باردار مواجه شدند، که آن زن با مشاهده لشکریان، دچار ترس و وحشت گردید، که اول بچه‌اش را انداخت بعد خود این زن هم فوت کرد، امام علی (ع) و اصحابش نیز در حالی که جنازه‌های این زن و بچه‌اش روی جاده مانده بود، عبور کردند، امام از مردم سؤال کرد، جواب داده شد، که به خاطر ترس از قتال و فرار لشکریان دچار وحشت شده است، امام سؤال کرد: کدام یک اول فوت کرده، گفته شد پسر، امام شوهر این خانم را که پدر بچه بود فراخواند، دو ثلث از دیه پسر به او تعلق گرفت و ثلث دیگر به مادر این بچه، سپس شوهر نصف ثلث دیه پسر را که به این خانم رسیده بود مستحق گردید و نصف دیگر به نزدیکان زن تعلق گرفت، از دیه زن نصف که دوهزار پانصد درهم بود به شوهر تعلق گرفت؛ زیرا این خانم پسری غیر از آن پسر فوت شده نداشت، بعد امام فرمود: همه این دو دیه از بیت‌المال بصره پرداخت شود.»

(کلینی، پیشین: ج ۷، ۳۵۴) در این روایت امام علی<sup>(ع)</sup> در قسمت اول کیفیت تقسیم دیه بین وراث را مطرح کرده، که ربط به بحث ما ندارد، در اخیر فرموده: دیه‌ی هردو یعنی دیه‌ی مادر و دیه‌ی حمل، از بیت‌المال بصره پرداخت شود؛ در جایی که قاتل معلوم نباشد دیه از بیت‌المال پرداخت شود، این‌جا هم قاتل معین نیست؛ زیرا این واقعه بر اثر ترس و اضطرابی که در حین فرار لشکریان از میدان جنگ، بر این خانم عارض گردیده، به وقوع پیوسته و قاتلی مشخص ندارد، لذا امام برای جبران این خسارت دستور داده که دیه‌ای مادر و بچه‌اش از بیت‌المال ادا شود.

از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده، در زمان زمامداری امام علی<sup>(ع)</sup> در روز جمعه در کوفه ازدحام شد و بر اثر آن، شخصی به قتل رسید و دیه‌اش از بیت‌المال مسلمانان ادا گردید. «همان ازدحام جمعیت که در نماز جمعه بوده کسی به قتل رسید، نمی‌شود که تمام آن جمعیت را به‌عنوان قاتل مؤاخذه کرد، شلوغ و ازدحام است هرکسی به فکر بیرون رفتن خودش است لذا قاتل ندارد، امام دیه را از بیت‌المال پرداخت می‌کند.

در تمام موارد فوق با این‌که قضایا و حوادث متفاوت بوده‌است؛ اما همه تابع یک قاعده کلی است که در روایات به آن تذکر داده شده‌است، این‌که در صورتی که قاتل معلوم نباشد دیه مسلمان از بیت‌المال جبران می‌شود.

#### ۲.۱.۱.۶. جبران خطای قاضی از بیت‌المال

قضاوت یکی از مسؤولیت‌های خطیر و سنگین است، بدون شک حتی اگر با دقت و مطابق اصول شرعی و قانونی انجام شود گاهی حکم صادره خطا و اشتباه خواهد بود، حالا در صورت که قاضی، کوتاهی نکرده‌است، ولی در عین حال خطا کرده‌است، این حکم منجر به قصاص یا قطع عضو به‌صورت ناحق شده، در قبال این خون و عضو چه کسی مسؤول است؟ در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> روایتی وجود دارد که از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل شده: «امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: اگر خطا قاضی منجر به قتل و یا منجر به قطع عضو گردد از بیت

المال مسلمانان جبران می‌شود.» (همان) اگرچه در این‌جا مسؤلیت کیفری وجود ندارد، چون فرض روایت موردی هست که قاضی مقصر نیست، بلکه تمام جهد و تلاش خود را مطابق اصول قضاوت و شرع انجام داده ولی خطا کرده‌است. (نراقی، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ۸۸) اما از این جهت که متضرر وجود دارد باید جبران شود، لذا از بیت‌المال جبران می‌شود. در علم بزه‌دیده‌شناسی بحثی شبیه این مورد وجود دارد، که تحت عنوان بزه‌دیدگان محکومیت‌های اشتباه مطرح است، ولی تفاوتش در این‌جاست که انجمن‌های مختلف تلاش می‌کند تا افرادی را که از طرف دادگاه اشتباهاً محکوم به زندان شده‌اند، با اثبات بی‌گناهی از زندان‌ها آزاد نماید، اما بحث جبران خسارت مثل دیه و امثال آن وجود ندارد. (رگر، ۱۳۹۵: ۶۳۶)

#### ۲.۱.۶. استرداد اموال و حقوق از دست رفته بزه‌دیده

یکی از ابتدایی‌ترین روش‌ها حمایت از بزه‌دیدگان کمک مالی است؛ که به گونه‌ها و صورت‌های مختلف قابل‌ارایه است، البته بحث در حمایت‌های مالی نیست، ولی مهم‌ترین یا حداقل حمایت‌های مالی، برگرداندن اموال بزه‌دیده است که بر اثر رفتار مجرمانه از دست وی خارج شده‌است. هم‌چنین می‌توان بعضی از آسیب‌ها و زیان‌هایی بدنی و روانی را با حمایت مالی تسکین نمود. (رایجیان اصلی، پیشین) پس در علم بزه‌دیده‌شناسی مسترد کردن اموال و حقوق بزه‌دیده یکی از راه‌کارهای خیلی مهم در حمایت از بزه‌دیده است. بدون شک حفاظت از حقوق و اموال مردم، در صدر برنامه‌های امام علی<sup>(ع)</sup> قرار دارد، از جمله مسترد کردن اموال و حقوق از دست رفته که در این‌جا به چند مورد اشاره می‌گردد. در پدیده مجرمانه گاهی حق از دست می‌رود و گاهی هم ضررهای مالی عارض می‌شود که در این‌جا به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

## ۱.۲.۱.۶. معنوی (پرداخت پول به منزله جبران نمادین درد و رنج عاطفی و حیثیتی)

هرآسیب و زبانی که بر اثر پدیده مجرمانه به وجود آید نیازمند جبران است، در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> بحث جبران خسارت وجود دارد روایتی است که دختر یتیمی در خانه رفیق پدرش، پرورش یافته بود. زمانی این مرد، به مسافرت طولانی مدت می‌رود. در این مدت دختر یتیم بزرگ و صاحب جمال می‌شود، خانمش می‌ترسد که شوهرش با این دختر ازدواج نکند، لذا با هم‌کاری زنان همسایه بکارت دختری یتیم را با دست، زایل می‌کند، وقتی شوهر این خانم از مسافرت بازمی‌گردد، زن به این دختر نسبت زنا می‌دهد، مرد دست خانم و دست این دختر یتیم را گرفت و آمد در حضور امام علی<sup>(ع)</sup> نشست و قصه را بیان کرد و امام حسن<sup>(ع)</sup> نیز حضور داشت، امام علی<sup>(ع)</sup> به امام حسن<sup>(ع)</sup> دستور داد که قضاوت نماید، امام حسن<sup>(ع)</sup> فرمود: بر این خانم حد قذف جاری شود و نیز دیه بکارت را پرداخت نماید و امام علی<sup>(ع)</sup> هم تائید کرد. (کلینی، پیشین، ۲۰۷)

موضوع این روایت که قبلاً هم نقل شد ولی حکم امام فرق دارد، چون در این روایت دیه بکارت علاوه بر حد قذف بر عهده فاعل اصلی گذاشته شده است، متن این سند با اصول فقهی موافق‌تر است، باید دیه بکارت را باید این زن پرداخت نماید؛ چون او ازاله کرده است. (صافی، بی‌تا: ۵۱) اگرچه در صحت و سقم سندی هر دو روایت حرف و سخن هست، ولی خوش‌بختانه در فقه امامیه برای جبران خسارت ازاله بکارت، به‌خاطر وجود روایات دیگر، توجه بیش‌تر نسبت به این دو روایت شده، که علاوه بر دیه‌ای بکارت، تعزیر هم در نظر گرفته شده است. (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۴۵) پس می‌بینیم که در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> توجه خاصی برای استرداد حق از دست رفته و جبران زیان‌های وارد شده، گردیده است.

در جرایم که علیه تمامیت جسمانی انجام می‌شود که منجر به قتل یا قطع و یا جرح می‌شود، با دیه و ارش قابل جبران است که تعیین هرکدام برای همه افراد جامعه مشکل

است مثل دیه عضو هرکدام نیاز به تبیین دارد، در سیره امام علی (ع) به این امر توجه شده است. از امام باقر (ع) نقل شده است: «امام علی (ع) وقتی با شخص اعور (یک چشم) که بر اثر بزه چشم صحیح‌اش نابینا شده بود مواجه شد، این‌گونه قضاوت کرد: این شخص مخیر هست بین این‌که یک چشم بزه‌کار را قصاص کند همراه نصف دیه و بین این‌که از قصاص بگذرد و دیه کامل را اخذ نماید.» (کلینی، پیشین: ۳۲۰)

در مورد دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است: «امام علی (ع) در مورد فردی که توسط دیگری مجروح گردیده بود، این‌گونه قضاوت کرد: برای مجروح حق قصاص است یا این‌که به‌جای قصاص دیه جراحات‌های وارده را قبول می‌کند و از قصاص می‌گذرد.» (همان)

در قضیه دیگر از امام صادق (ع) «سه نفر مشترکا دیوار را خراب می‌کردند، دیوار روی یکی از این سفر فرو ریخت که باعث فوت او شد، امام فرمود: دونفر دیگر ضامن دیه این میت است، به‌خاطر این‌که هریک از این سه نفر ضامن هم‌کار خود است.» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۱۵۹)

در این سه روایت امام علی (ع) حق بزه‌دیده را بیان کرده است و در برخی موارد هم بزه‌دیده مخیر گذاشته شده، به‌عنوان حق برای بزه‌دیده بیان گردیده است که در فقه امروزه فتوای مشهور نیز براساس این روایات است. (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۲، ۳۶۹) لذا تبیین و تفهیم حقوق بزه‌دیدگان در جرایم علیه تمامیت جسمانی مورد توجه است.

۲.۲.۱.۶ مادی (مسترد نمودن اموال از دست رفته بزه‌دیده)

گاهی در پدیده مجرمانه هم حق و هم اموال بزه‌دیده، از تحت تسلط وی خارج می‌شود، در این‌جا باید اموال و حقوق به مالک خود مسترد شود، از امام باقر (ع) نقل شده است، امام علی (ع) وارد مسجد شد، با جوان روبه‌رو شد که گریه می‌کند، سؤال کرد، جوان در جواب گفت: پدرم با اموال زیادی همراهی این افراد مسافرت رفته بود حالا

اینان برگشته من پدرم را سؤال می‌کنم، می‌گویند: پدرت فوت کرده، از اموالش می‌پرسم، می‌گویند: چیزی برجای نگذاشت، نزد شریح قاضی رفتم مرا گفت: بینه نداری، با سوگند خوردن این افراد، آنان را تصدیق کرد. امام فرمود: همه بازگردید. وقت داخل مسجد شد قاضی شریح را سرزنش کرد و بعد فرمود: هر یک از افرادی که همراه پدر آن جوان به مسافرت رفته بودند، به صورت جداگانه در کنار ستون‌های مسجد جا داده شدند، از هر کدام جداگانه واقعیت را سؤال کرد و کاتب امام علی<sup>(ع)</sup> اظهارات آنان را می‌نوشت، تا این‌که همه‌شان اقرار کرد که پدر این جوان را به قتل رسانده‌اند و اموالش را بین خود تقسیم کرده‌اند. امام علی<sup>(ع)</sup> آنان را مجبور به پرداخت اموال و نیز جبران قتل کرد. (صدوق، پیشین: ج ۳، ۲۶)

امام با روش قضایی خاص خودش در این‌جا هم اموال از دست رفته مقتول را به ورثه‌اش برگرداند و هم به جبران قتل حکم کرد. با قضاوت امام علی<sup>(ع)</sup> اموال پدرش که در اختیار قاتلان بود با اعتراف خودشان به جوان مسترد گردید. لذا از این روایت به خوبی می‌توان استفاده کرد که یکی از روش‌های مواجهه با بزه‌دیده در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> استرداد حقوق و اموال از دست رفته بزه‌دیده است.

#### ۲.۶. جبران از گذر غیر رسمی میانجی‌گری

میانجی‌گری و طرح مصالحه و تفاهم یکی از راه‌حل‌های مناسب بین بزه‌کار و بزه‌دیده است. اگرچه دو طرف می‌تواند این پیشنهاد را قبول یا رد کند، ولی می‌توان گفت: در موارد زیادی تفاهم بهترین روش در تأمین زیان‌های وارده بر بزه‌دیده است، در برخی از موارد تنها راه، تفاهم و مصالحه برای خسارت‌زدایی است، البته این روش در دعاوی خصوصی می‌تواند باعث خاتمه یافتن دعوا شود، اما در دعاوی عمومی پرونده به صرف خسارت‌زدایی و توافق دوطرف مختومه اعلان نمی‌شود. (لیز، ۱۳۷۹: ۱۱۱) بعد از مراجعه بزه‌دیده و مجنی‌علیه به مراجع دادرسی، طرح مصالحه و خسارت‌زدایی

بهترین راه معقول به نظر می‌رسد زیرا در اکثر موارد فرایند دادرسی و طی مراحل آن، از لحاظ اقتصادی برای بزه‌دیده سنگین تمام می‌شود، لذا به‌خاطر این هزینه‌ها، گاهی بزه‌دیده بدون مراجعه به مراجع رسمی از طریق تفاهم با بزه‌کار شخصاً به نتیجه می‌رسد، البته تفاهم و مصالحه بدون مراجعه به مراجع رسمی می‌تواند علت‌های دیگر مثل فساد دادگاه و مراجع دادرسی داشته باشد، شواهدی وجود دارد که بزه‌دیدگان به‌خاطر فساد مراجع رسمی حاضر به قبول میانجی‌گری سنتی می‌شود، مواردی هم میانجی‌گری نسبت به فرایند جنایی، نتیجه‌بخش است، براساس گزارش یک نهاد حقوق بشری، در قضایای خشونت علیه زنان که خانم‌ها بزه‌دیده بوده‌اند، از ۸۱ مورد تنها ۱۰ مورد حاضر به میانجی‌گری و تفاهم نشدند، اما بقیه به تفاهم و نتیجه رسیدند. (کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، ۲۰۱۵: ۲۷) میانجی‌گری سنتی یکی از روش‌های مؤثر برای جبران خسارت بزه‌دیده و بازگشت بزه‌کار به حالت عادی و از بین برنده هر نوع خصومت است، امروزه از آن به عدالت ترمیمی یاد می‌شود؛ زیرا با دخالت افراد متنفذ و با تجربه و رضایت قربانی و بزه‌کار وضعیت به حالت اولی، برمی‌گردد و طرفین راضی می‌شود. (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> هم تاکید بر مصالحه و میانجی‌گری شده‌است. میانجی‌گری و اصلاح بین جامعه یکی از رفتارهای ارزشمند و دارای اجر و پاداش معنوی در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> بیان شده‌است، امام علی<sup>(ع)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup>: *مَا عَمِلَ امْرُؤٌ عَمَلًا بَعْدَ إِقَامَةِ الْفَرَائِضِ خَيْرًا مِنْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ، يَقُولُ خَيْرًا وَ يَتَمَنَّى خَيْرًا.* (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۲) بعد از ادای واجبات هیچ عمل مثل مصالحه بین مردم، ارزش و ثواب ندارد؛ زیرا خیرخواهی برای مردم و آرزوی خیر برای مردم است. در این‌جا از بین آن همه مستحبات و اعمال که وجود دارد، میانجی‌گری بهترین عمل حساب شده‌است.

در روایتی دیگر از امام علی (ع) نقل شده است: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْيَمِينِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ»؛ رفع دعاوی بین مردم بهتر از همه نمازها و روزه‌هاست. (همان) اگرچه تبیین فنی این روایت نیاز به بررسی دارد، ولی حداقل می‌توان به دست آورد، که میانجی‌گیری و مصالحه بین مردم، در اندیشه‌ای امام یکی از ارزش‌هاست.

در روایتی نقل شده است، امام علی (ع) در توصیه‌ای به شریح قاضی فرمود: «وَأَعْلَمُ أَنْ الصُّلْحَ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا صُلْحًا حَرَمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا»؛ امام به شریح قاضی می‌گوید: صلح کردن بین مسلمانان جایز است، مگر صلحی که حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال نماید. (کلینی، پیشین: ج ۷، ۴۱۳) این بیان در واقع بیان‌گر سیره قضایی امام در زمان زمامداری‌اش است، به صراحت مصالحه را تجویز می‌کند، میانجی‌گری در واقع همان صلح است. از این بیان قاعده کلی در سیره قضایی امام استنباط می‌شود که صلح امر مشروع و درستی است.

مورد دیگر که امام علی (ع) خودش میانجی‌گری کرده است، در شورش‌های که علیه عثمان واقع شد، مسلمانان معترض از ظلم و ستم اطرافیان خلیفه به ستوه آمده بودند و به همین جهت برای دادخواهی در مدینه تجمع کردند، امام علی (ع) با این که مسلمانان معترض را مظلوم می‌پنداشت و حق شان توسط اطرافیان خلیفه به غارت رفته بود، به نمایندگی از مردم با خلیفه صحبت می‌کرد، حرف‌های مردم را می‌رسانید، اما در عین حال حقوق عثمان را رعایت می‌کرد، امام در تلاش بود قضیه حل شود و نقش میانجی‌گری و میان‌روی را داشت، با این که بر رفتار عثمان معترض بود. با توجه به شواهد تاریخی، اکثریت مسلمانان در زمان خلافت عثمان، بزه‌دیده و مظلوم واقع شدند، در امور اقتصادی اموال عمومی که حق همه مسلمانان بودند، به خصوص فقرا و نیازمندان جامعه، سخاوتمندانه به اقوام خلیفه بخشش شد، لذا اعتراض مسلمان حق بود،



امام علی<sup>(ع)</sup> هم این وضعیت را به عثمان تذکر می‌داد، امام کوشش داشت این قضیه با آوردن اصلاحات و رسیدن مردم به حقش حل شود و مصالحه صورت گیرد، اما از جانب خلیفه جواب درست شنیده نشد، تا این‌که منجر به قتل وی گردید. (جعفریان، ۱۳۸۹: ۲۲۸)

### نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان گفت: در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به بزه‌دیدگان بی‌گناه مناسب‌ترین توجه صورت گرفته است که از همه جهات تامین‌کننده نیازها و حقوق بزه‌دیده و نیز تطبیق عدالت است؛ زیرا در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به نیازهای اساسی بزه‌دیده و قربانی جرم توجه شده که از لحاظ روحی و روانی تا زیان‌های معنوی و مادی و جبران حقوق ضایع شده، مورد توجه واقع شده است با این‌که در عصر امام علی<sup>(ع)</sup> بحث بزه‌دیده شناسی به صورت مدون و جدید که امروزه مطرح است، قطعاً وجود نداشته است، ولی در عین حال، تامین حقوق بزه‌دیدگان بهتر از امروز مورد توجه بوده است زیرا که حمایت‌های روحی و روانی، بازتوانی و تقویت روحی و بازگشت دوباره بزه‌دیده در دامن جامعه در سیره امام، خیلی مورد توجه واقع شده است.

نکته‌ی جالب، در سیره امام، بحث از وجود نهاد و بودجه‌ی برای جبران خسارت‌ها و آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان است، به‌عنوان بخشی از مسئولیت دولت و حاکمیت که مسئولیت زمامداری اسلامی را برعهده دارد. چیزی که امروزه در حقوق موضوعه، از آن با عنوان خسارت‌زدایی دولتی یاد و تعبیر می‌شود. در مجموع توجه و استفاده از سیره امام علی<sup>(ع)</sup> در قبال بزه‌دیدگان برای قانون‌گذار، در تصویب قوانین مربوطه، آیین‌نامه‌های نهادهای دولتی و امدادی قابل استفاده و راه‌گشا است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد غررالاحکم دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران، [بی‌نا]، چاپ هشتم، [بی‌تا].
۲. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، شرح نهج‌البلاغه، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی‌التاریخ، بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۵م.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمان، المنتظم فی‌تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۲م.
۵. ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، بغداد، منشورات الجمل، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۶. اختری عباس، حسن‌علی موذن‌زادگان، «جایگاه حقوق بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین‌دادرسی کیفری ایران»، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره بیست‌وششم، بهار ۱۳۹۸، صص ۴۱-۷۳.
۷. الهی‌منش، محمدرضا و رحیمی، محمدمهدی، آیین‌دادرسی کیفری، تهران، مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۸. امین‌سیدمحسن، عجائب احکام امیرالمومنین<sup>(ع)</sup>، قم، دائره‌المعارف فقه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۹. انصاری، قدرت‌الله و هم‌کاران، موسوعه احکام‌الأطفال وأدلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۱۰. تبریزی، جواد، تنقیح مبنی الاحکام-کتاب‌الذیات، قم، دارالصدیقه‌الشهیده<sup>(س)</sup>، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۱۱. توجهی عبدالعلی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، فصل‌نامه مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۸، صص ۲۷-۴۶.
۱۲. جعفریان، رسول، تاریخ خلفا، قم، انتشارات دلیل‌ما، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.

۱۳. حاجی‌ده‌آبادی، احمد، «از جبران خسارت بزهدیده توسط بزهدکار تا جبران خسارت توسط دولت»، فصل‌نامه فقه و حقوق، سال سوم، تابستان ۱۳۸۵، صص ۹۵-۱۲۱.
۱۴. حاجی‌ده‌آبادی محمدعلی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۵. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و حائری، سیداحسان، «بررسی هزینه‌های جرم با نگرش اسلامی»، فصل‌نامه حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۳-۶۰.
۱۶. حسینی شیرازی، سیدصادق، ألف مسألة فی بلاد الغرب، بیروت، دارالعلوم - مؤسسه الإمامه، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۱۷. حسینی شیرازی سیدمحمد، الفقه المرور و آداب السفر، بیروت، مؤسسه المجتبی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۸. دشتی، محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، قم، موسسه انتشارات مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۹. دینوری، عبدالله ابن مسلم ابن قتیبه، الامامه والسیاسه، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۹۹۰م.
۲۰. رایجیان اصلی، مهرداد، بزهدیده شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۱. \_\_\_\_\_، «بزهدیدگان حقوق و حمایت‌های بایسته»، پژوهش حقوق عمومی ۱۳۸۵.
۲۲. رگر چریل، جرایم ناشی از تنفر، بزهدیده‌شناسی نظریه‌ها و کاربردها، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۲۳. رهامی محسن و هم‌کاران، «شناخت جرایم بدون بزهدیده»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه حقوق، زمستان ۱۳۸۳، صص ۷۳-۱۰۵.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، التعزیر، أحكامه و حدوده، [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۵. صدر سیدمحمد، ماوراء‌الفقه، بیروت، دارالاضواء للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ق.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضر الفقیه، قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۷. طوسی محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.
۲۸. \_\_\_\_\_، الأمالی (للشیخ الطوسی)، قم، دارالتقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۹. علیزاده آملی، علی، اعتیاد پنهان، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۱. کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، عدالت از نگاه زنان افغانستان، اپریل ۲۰۱۵م.
۳۲. لیز ژراز، ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الله کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۳. محسنی، محمدآصف، حدود الشریعه، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۳۴. محمودیان اصفهانی، کامران، حسن‌پور بافرانی و علی یوسف‌زاده، «بررسی تطبیقی مجازات ازاله بکارت در فقه امامیه و حقوق کیفری»، فصل‌نامه پژوهش‌های فقهی، دوره دوازده، شماره ۱، ۱۳۹۵، صص ۱۳۷-۱۷۰.
۳۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۶. منتظری حسین‌علی، دراسات فی‌المکاسب المحرمه، قم، نشر تفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۷. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله - الحدود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۳۸. موسوی اردبیلی سیدعبدالکریم، فقه‌القضاء، قم، [بی‌نا]، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۳۹. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، تکملة‌المنهاج، قم، نشر مدینه‌العلم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ق.
۴۰. میرخلیلی سیدمحمود، پیش‌گیری وضعی از بزه‌کاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۴۱. نجفی محمدحسن، جواهرالکلام، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۲. نراقی، احمد، مستندالشیعه فی‌أحكام الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۴۳. هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج‌البراعه فی شرح نهج‌البلاغه، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ش.